



میقات‌دراندیشه
امام خمینی (ره)



خویشنداری را از
پیامبر خدا بیاموزیم

آداب دعا و نیایش در سیره معصومین (ع)

گرفتاری‌های
عضلانی و استخوانی

تولدی دوباره

مراقبت اخلاقی
در جمع میهمانان خدا



رهنمود



وحدت، شرط نجات مسلمین

حجاج بیت‌الله الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم در خانه‌ی خدا گرد می‌آیند، بکوشند تا با طرح مصائب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان - که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه‌ی جهانی است - و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمدی (صلی الله علیه و آله) سازند. شعار محو غده‌ی سرطانی اسرائیل که از سوی امام عظیم الشان و قائد کبیر اسلام، امام خمینی (رضوان الله علیه) مطرح شد، علی‌رغم میل سازش کاران سیاست باز، باید با قوت و شدت مطرح شود و به صدای عمومی مسلمین در حج تبدیل گردد.

پیام‌به‌کنگره عظیم حج
۱۳۶۹/۴/۷

آیت الله سبحانی بارهبر انقلاب دیدار کرد

حضرت آیت الله سبحانی از مراجع تقلید با حضور در دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی با ایشان دیدار کرد. به گزارش خبرگزاری مهر حضرت آیت الله سبحانی از مراجع تقلید با حضور در دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی با حضرت آیت الله خامنه‌ای دیدار و گفتگو و برای سلامتی و مزید توفیقات رهبر معظم انقلاب دعا کرد. بر اساس این گزارش رهبر معظم انقلاب پس از عمل جراحی و یک هفته بستری در بیمارستان، روز دوشنبه ۲۴ شهریور بیمارستان را ترک کرده بودند.



الگوی جدید تعیین شهریه نگرانی‌های مردم را کاهش داده است

مدیر کل مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش گفت: با توجه به بررسی کارشناسان، تعیین الگوی شهریه نگرانی‌های خانواده‌ها در خصوص شهریه غیر مصوب را کاهش داده است. الگوی جدید تعیین شهریه نگرانی‌های مردم را کاهش داده است به گزارش شامگاه شنبه گروه فرهنگی ایرنا، 'مجتبی زینی‌وند' با بیان این که الگوی تعیین شهریه بخش بزرگی از نگرانی‌های مردم را کاهش داده است، افزود: مدیران و موسسان مدارس غیردولتی هم با حمایتی که آموزش و پرورش از آن داشته است از اجرای این الگو راضی هستند.

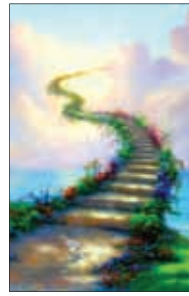
حجت الاسلام محسن دعاگو امام جمعه شمیرانات در گذشت

حجت الاسلام محسن دعاگو امام جمعه شمیرانات عصر شنبه بر اثر عارضه قلبی و کلیوی در بیمارستان خاتم الانبیا (ص) در گذشت. حجت الاسلام محسن دعاگو، امام جمعه شمیرانات در گذشت به گزارش ایرنا، حجت الاسلام و المسلمین محسن دعاگو در سال ۱۳۳۱ در شهرستان تربت حیدریه متولد شد، وی در حوزه‌های علمیه مشهد از کلاس درس اساتیدی همچون آقایان ادیب نیشابوری، سید حجت هاشمی، غلامعلی غلامعلی پور، واعظی خاوری، رضازاده، واعظ طبسی، صالحی، اشکذری و مقام معظم رهبری بهره‌مند شد.

تسلیت سرپرست حجاج دری در گذشت حجت الاسلام دعاگو

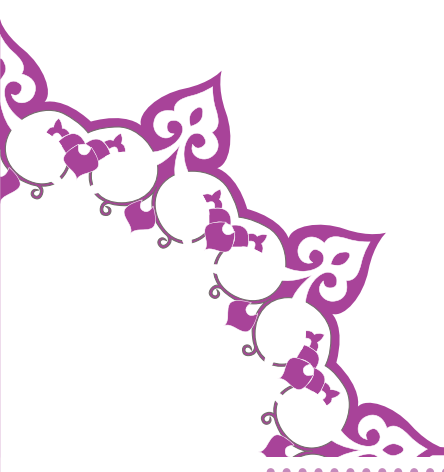
دینی و انقلابی و ولایت‌فقیه بود. در پایان این پیام روحانی مجاهد و وارسته مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای دعاگو - قدس سره - امام جمعه شمیرانات و عضو شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور موجب تأثر و تأسّف شدید گردید. در ادامه این پیام آمده است: این روحانی وارسته از سالها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در خدمت اسلام و انقلاب بود و همواره در سنگر جمعه و جماعت و خطابه و منبر، پاسدار ارزش‌های

نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی در پیامی در گذشت حجت الاسلام والمسلمین محسن دعاگو، امام جمعه شمیرانات را تسلیت گفت. به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع‌رسانی حج، حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی عسکر، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی در پیامی حجت الاسلام والمسلمین محسن دعاگو، امام جمعه شمیرانات را تسلیت



خدمت به مؤمن

رسول اکرم (ص): هر کس لقمه ای غذا به مؤمنی بخورد خداوند از میوه های بهشت به او بخورد و هر کسی مؤمنی را آب دهد، خداوند از شراب سربه مهر بهشتی به او نوشاند و هر کس مؤمنی را لباس پوشاند، خداوند از ابریشم و استبرق بهشتی او را پوشاند.
 روضه بحار جلد ۱ صفحه ۱۴۳



شود که این تعبیر در مورد هیچیک از رذائل و در سایر شرایط دیده نمی شود. همچنین به پرهیز کاری و ترک محرمات تاکید و توصیه شده که از جمله آنهاست سخن زشت گفتن. معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: از تفاخر و خودبینی بپرهیز و بر تو باد به پرهیز کاری که تو را از معصیت خدای بزرگ باز دارد، چه خداوند می فرماید: سپس آلودگی های خود را دور کنند، و از جمله آلودگی های این است که در احرام خود سخن زشت و ناروا بگویند.

آزار نرساندن به دیگران

حاجی نمونه باید در حال طواف یا هنگام نماز طواف یا در بوسیدن حجر الاسود و رمی جمره و موارد دیگری که از دحام وجود دارد، مراقب باشند به افراد سالخورده، بیمار، ضعیف و کسانی که در طواف هستند یا به نماز ایستاده اند، اعم از آشنا یا بیگانه، آزار نرسانند، بلکه با آرامش و وقار اعمال را انجام دهند. از هول و هراس و شتابزدگی و بی توجهی دیگران، جدا بپرهیزند که این از آداب حسن سلوک در این سفر معنوی است. در این باره توصیه های جدی در کلام معصومین (ع) وجود دارد. از جمله امام صادق (ع) ضمن بیان اعمال عرفات می فرماید:

چون خورشید غروب کرد با مردم کوچ کن و بر تو باد به آرامش و متانت و وقار. با مردم همراهی کن و از خدا آمرزش طلب. و از تند رفتن مانند بسیاری از عامه مردم بپرهیز، چرا که حج تند راندن و کند راندن نیست، از خدا بپراسید و به نحو شایسته حرکت کنی. ضعیفی را پایمال نکنی و مسلمانی را تنه نزنید که پیامبر خدا (ص) خود با آرامش عمل کردند و می فرمودند: بر شما باد به آرامش و وقار.

بسیار دیده شده که زائران ناوارد، بویژه در سفر اول با حالت وحشت زدگی و هول و هراسی که جهت انجام اعمال دارند، دیگر مسلمانان را مورد هجوم و ایداء قرار می دهند یا نزاع و مشاجره می کنند و در حال عبادت: مانند نماز و طواف به حق دیگران اعتنائی ندارند که با این حال عبادت خود و دیگران را خراب می کنند و چهره نامطلوبی از خود و کشور و مذهب ارائه می دهند.



مراقبت اخلاقی در جمع میهمانان خدا

کعبه بیت مکرم و مطهر، قبله مؤمنان و مطاف پاکدلان است و فضای روحانی حج نموداری است از بهشت برین و زائران باید در سایه یک تحول عمیق روحی، همانند بهشتیان باشند، با خلق و خوی پسندیده و خصال ستوده که خداوند برای اهل بهشت بیان فرموده است: آنان به سخنان پاکیزه هدایت شده و به راه و رسم ستوده رهنمون گشته اند.

صفوان جمال گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: هر گاه کسی آهنگ این خانه کند، اما دارای سه خصلت نباشد،

به او توجه نخواهد شد:

الف: حلم و بردباری که خشم و غضب را بدان مهار کند.
 ب: خلق و خوبی که به وسیله آن با همسفران خود مصاحبت نماید.
 ج: پارسایی و ورع که وی را از معاصی باز دارد. (ما یُعَبِّأ بَمَنْ یَوْمُ هَذَا التَّيْسُ إِذَا لَمْ یَكُنْ فِیْهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: حلم بملک به غضبه و خلق یصاحب به من صحبه و ورع یحجزه عن معاصی الله).

قد است حرم ایجاب کرده که تخطی از دستورات شرع و آلودگی به رذائل اخلاقی در آن حریم کبریایی به مثابه الحاد تلقی

تکریم دیگران

آن صورت، بانهی یا برخاستن، کلام او را می برید! ایشان می فرمود: اگر کسی برادر مسلمانش را تکریم کند، خدای عزوجل را تکریم کرده است.

آن حضرت هرگز به کسی اجازه نمی داد دیگران را تحقیر کند و می فرمود: مبدا فردی از مسلمانان را کوچک شمارید و تحقیر کنید، که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است.

ایشان دوست داشت که با او بدون تکلف و به راحتی برخورد کنند، ولی خود از سر تکریم، آنان را چنان احترام می کرد که موجب شگفتی است. نقل کرده اند که مردی وارد مسجد شد، در حالی که پیامبر به تنهایی نشسته بود. با ورود آن مرد، حضرت بلند شد و جای باز کرد. مرد با تعجب گفت: ای رسول خدا! جا که بسیار است. فرمود: حق مسلمان بر مسلمان است که اگر دید برادرش می خواهد بنشیند، بلند شود و برایش جا باز کند.

همه اینها نمونه های روشنی از کرامت و بزرگمنشی رسول الله (ص) و بزرگداشت مقام انسان ها نزد ایشان است. ایشان حتی نسبت به کودکان کرامت ویژه ای داشت. در رفتار آن حضرت نوشته اند: هنگامی که رسول خدا (ص) از سفری باز می گشت، در راه با کودکان مردم برخورد می کرد و به احترام آنها می ایستاد. سپس امر می فرمود کودکان را می آوردند و از زمین بلند می کردند و به آن حضرت می دادند. رسول خدا (ص) بعضی را در آغوش می گرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار می کرد و به اصحاب خود نیز می فرمود: کودکان را در آغوش بگیرید و بر دوش خود بنشانید. کودکان از این کار بی اندازه خوشحال می شدند و این خاطرات شیرین را هرگز فراموش نمی کردند. انس بن مالک گوید: «ما کودک بودیم که رسول خدا (ص) بر ما گذشت و فرمود: سلام بر شما کودکان.»

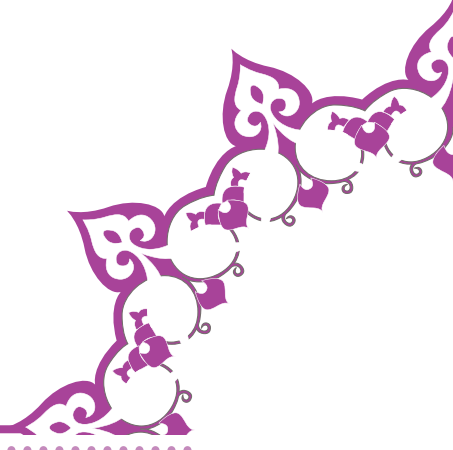
سیره پیامبران در برخورد با انسان، کریمانه بوده است. آنان بزرگوار بودند و در تکریم مردم می کوشیدند. پیامبر اسلام افزون بر اینکه نیکوترین اخلاق را داشت، بیشترین تکریم را در رفتارش نسبت به خلق خدا را می داشت. او که مزین به وصف لولاک لما خلقت الافلاک بود، در روابط اجتماعی خود آن قدر بی پیرایه و خالی از تکلف بود که گویا بشری است مثل دیگر آدمیان، بی هیچ گونه مزیتی. او همراه در سیره اجتماعی اش به مردم احترام می گذاشت. حضرت امام حسین (ع) می فرماید: از پدرم درباره مجلس رسول خدا (ص) پرسیدم. ایشان فرمود: پیامبر در مجلسش بهره هر کس را عطا می کرد. هیچ کس گمان نمی برد از او گرمای تر هم کسی باشد... مجلس او مجلس گذشت، حیا، راستی و امانت بود. در آن صداها بلند نمی شد. انسان ها در مجلس رسول خدا (ص) فروتن بودند و بزرگ را گرمای می داشتند و با کوچک ترها مهربان بودند. حاجت انسان حاجتمند را بر خویش مقدم می داشتند و روا می کردند و غریب و بی کس را ننگه داری و رسیدگی می کردند.

امام حسین (ع) می فرماید که به پدرم گفتم: سیره آن حضرت با هم نشینانش چگونه بود؟ ایشان فرمود: همیشه خوش رو و خوش خو و نرم بود. خشن و درشت خو و سبک سر و ناسزاگو و عیب جو نبود و کسی را مدح نمی کرد. هرگز کسی را سززنش نمی کرد و از او عیب نمی گرفت و لغزش و عیب های مردم را جست و جو نمی کرد. بر بی ادبی شخص غریب در پرسش و گفتار شکیبایی بود تا آنجا که اصحاب در صد بر خورد بر می آمدند، ولی ایشان می فرمود: وقتی حاجتمندی را دیدید، یاری اش کنید. هرگز ثنای کسی را نمی پذیرفت، مگر آنکه به عنوان تشکر باشد. سخن هیچ کس را قطع نمی کرد، مگر آنکه از حد گذشته باشد. در



توشه مؤمن

رسول اکرم (ص): بنده خدا باید از دنیایش برای آخرتش توشه برگیرد و از جوانیش برای پیری و از دوران سلامتی برای بیماریش و از زندگی اش برای مرگش، سوگند به آن خدائی که جانم در دست اوست پس از دنیا خانه ای نیست مگر بهشت یا جهنم.
 روضه بحار جلد ۱ صفحه ۱۹۵



مادرت فاطمه (س) و جدت رسول خداست. امام سجاد (ع) با بغضی سنگین در گلو فرمود: چه دور رفتی ای طاووس! از پدر و مادر و جدم رسول خدا (ص) سخن مگو، که پروردگار، بهشت را برای بندگانش نیکو کار و فرمانبردارش آفریده است، چه برده‌ای سیاه باشد و چه بزرگی از خاندان قریش. مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: پس آن گاه که در صورت دیده شود، خویشاوندی ای بر جای نمی‌ماند و از پدران و

حسب و نسب پریشانی نمی‌شود (۲)، (۱).

۲- پافشاری بر خواسته‌ها در نیایش

در مدینه خشکسالی آمد و مردم در سختی و دشواری بسیار قرار گرفتند. عده‌ای نزد پیامبر رحمت (ص) رفتند و از ایشان درخواست نمودند تا پروردگار، باران مهربانی‌اش را بر آنان فرو فرستد. داستان مهربان پیامبر (ص) به سوی آسمان بلند شد و لب‌های خشکیده‌اش به حرکت درآمد: بار خدایا، باران رحمت را بر ما فرو فرست. نگاه‌های مردم تشنه به آسمان دوخته شد و عده‌ای نیز آسوده خاطر از این که باران خواهد آمد، راه منزل خویش را در پیش گرفتند. مدتی گذشت، ولی قطره آبی هم از آسمان نچکید. دوباره مردم نزد رسول خدا رفتند و درخواست کردند بار دیگر دعا بفرمایند. این بار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست به دعا برداشت و بالحنی دگرگونه، با خدای خود راز و نیاز کرد و از او درخواست فرو فرستادن باران نمود، ابرهای رحمت در حیرت نگاه‌های منتظر، به هم پیوست و باران تندی باریدن گرفت، به گونه‌ای که آب در کوچه‌ها به راه افتاد.

جمعی از اصحاب خدمت پیامبر اکرم (ص) بودند و از این موضوع شگفت‌زده شدند، پرسیدند: چرا بار اول که دعا فرمودید باران نیامد، ولی بار دوم بارید؟ پیامبر (ص) فرمود: من بار اول دعا کردم، ولی در نیایش خود اصرار نوریزیدم و پافشاری نمودم، ولی بار دوم، بر خواسته خود پافشاری کردم و آنگونه شد که دیدید. (۳)

نیایش‌های ناکارآمد

گاهی دعا، نیاز به مقدمات و زمینه‌هایی دارد تا در پرتو آن کار آیی داشته باشد. آورده‌اند در سفری، کاروان امام صادق (ع) به سوی مدینه در حرکت بود که سه نفر با فاصله زمانی نزد امام آمدند و از او کمک خواستند. امام به دو نفر اول کمک مالی کرد و برای سومی فقط دعا کردند و آن گاه رو به کاروانیان فرمودند: دوستان بدانید که اگر می‌خواستم به این نفر آخر هم کمکی بکنم، توانایی آن را داشتم، ولی بسم آن را دارم تا جزو سه گروهی شوم که دعایشان مستجاب نمی‌شود. اول کسی که خدا به او مال و دارایی می‌دهد، ولی وی آن را درست خرج نمی‌کند و در نتیجه، نیازمند می‌شود و آنگاه که نیازمند شد، دست به دعا برمی‌دارد و از خدا درخواست مال و دارایی می‌کند. دوم کسی که با زنی ناشایسته و بی‌ایمان از دواج می‌کند و بدون این که از او جدا شود، دعا می‌کند که پروردگار راهی برای رهایی از مشکلش برای او قرار دهد. سوم کسی است که پیوسته همسایه خود را به جهت آزار و اذیت‌هایش نفرین می‌کند که خدایا همسایه‌ام را نابود کن، ولی با این که می‌تواند خانه خود را تغییر دهد، این کار را نمی‌کند و فقط می‌خواهد با دعا مشکل خود را حل نماید. (۴)

پی نوشت‌ها:

۱- مؤمنون: ۱۰۱

۲- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۱

۳- اصول کافی: ج ۲، ص ۴۴۴

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۰



آداب دعا و نیایش در سیره معصومین (ع)

۱- تضرع و زاری

نخستین مورد از مجموعه آداب، دعا کردن با حالت التماس و زاری است که پیشوایان ما خود بدان بسیار عمل می‌نمودند. طاووس یمانی می‌گوید: امام سجاد علیه السلام را دیدم که با چشمانی اشکبار، به آسمان نگاه می‌کرد و با خدای خویش گرم گفت‌وگو بود. گفتم: ای فرزند رسول خدا، طاووس یمانی هستم. اگر شما این چنین با خدای خود نیایش می‌کنید، ما روسایهان چه کنیم. شما که پدرت حضرت حسین (ع) و

هر رفتاری از انسان مسلمان برای رسیدن به کمال دارای آداب خاصی است که در اسلام به رعایت آن سفارش اکیدی شده است که این آداب سبب اثر بخشی بیشتر و تکامل معنوی آن رفتار دینی می‌شود.

برای نیایش به درگاه خداوند نیز آدابی وارد شده است که انجام آن باعث استجابات آن دعا می‌گردد که به برخی از آنها اشاره‌ای گذرا در سیره عملی ائمه معصومین می‌کنیم.

و اینک... لبیک نزدیک می‌شود

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَ الثَّنَاءَ لَكَ وَ الْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ.»

اکنون که وجودمان سعادت آن را یافته که قدم در حریم مقدس حق تعالی بگذاریم و محرم شویم، باید قدر این لحظات را بدانیم و در کمال احترام و رعایت حرمت این بارگاه الهی رفتار نماییم و آنچه خداوند دستور فرموده، بر خود حرام گردانیم و چه پر شور و شغف است احرام. زیرا همگان در عین دشواری، لحظات را صبورانه سپری می‌کنند و در چشم‌هایشان عشق و ارادت به ذات مقدس پروردگار هویداست.

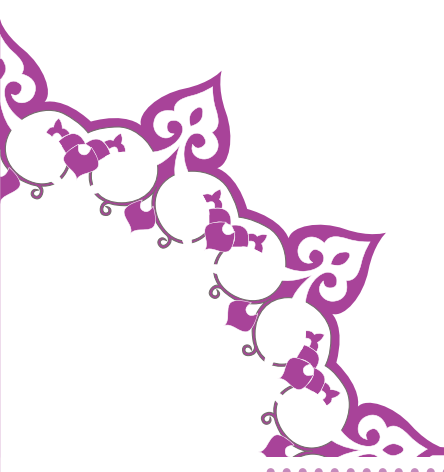


موج زمان که ما را به سرعت به همراه خود می‌برد، هرگز منتظر نمی‌ماند که درخت شادمانی بشر، لحظه‌ای چند روی مسیّر آن ریشه دواند و گل دهد و اکنون زمانی فرا رسیده است که بر روی سنگ‌های داغ جاده، به سوی مسجد شجره در حال حرکتیم و تنها چیزی که در پس گذر از جاده‌ها کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود و چشمان مانیز کنجکاوانه در پی آن به این سو و آن سوی دود، گنبد سبزی است که مناره‌های اطراف آن همچون سروهای سپید آن را احاطه کرده‌اند. آنچه در این هنگام ذهن من و همسفرانم را گرفته، تنها شمارش لحظاتی است که بین قلب‌های ما و دیار عاشقان فاصله انداخته است و دل‌های بیمارمان با بر آوردن هر دم و بازدم، سراغ طیبیب دل‌های سوخته را می‌گیرد.

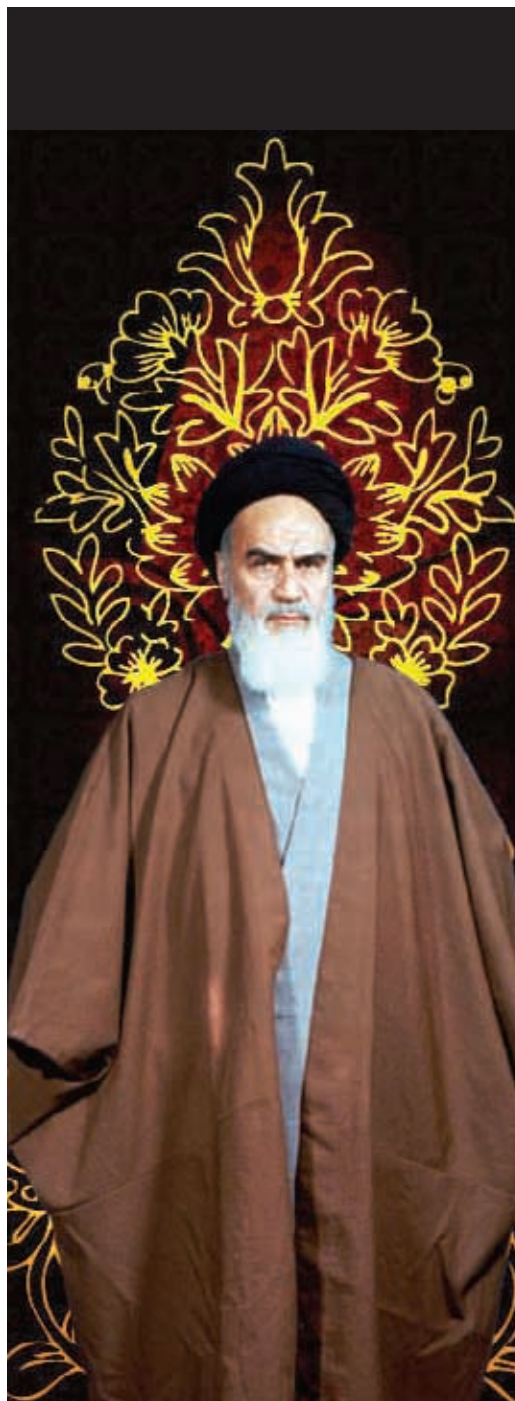
حال وقت آن رسیده که خود را برای ورود به میقات شجره که باب‌الورود به حرم کبریایی حضرت حق است، آماده سازیم. در آن به قصد زیارت خانه خدا توقف کنیم و روح و جسم خود را از آلودگی‌ها و زشتی‌ها پاک سازیم. سپس لباس تواضع و طهارت را بر تن کنیم و از سراسر وجودمان با نهایت اخلاص این بانگ مقدس را سر دهیم:



آزار مؤمن
 رسول خدا (ص):
 کسی که مؤمنی را
 درباره موضوعی
 یا کاری سرزنش کند،
 نمی میرد تا خودش
 به آن مساله گرفتار شود
 و امتحان گردد.
 روضه بهار جلد ۱ صفحه ۱۷۱



میقات در اندیشه امام خمینی (ره)



در شریعت مقدسه اسلام مکان هایی برای احرام بستن تعیین شده است که به آنها میقات گفته می شود و واجب است آن که قصد کوی یار نموده، در این مکان ها محرم شود و خود را برای حضور در محضر الهی آماده سازد. میقات اولین محلی است که حاجی است که اعلان حضور می کند و آموزش و تمرین رهایی از تعلقات و وابستگی هارا آغاز می کند. میقات، شروع اعمال حج و عمره است و اولین عمل در شروع اعمال حج، جدا شدن از هر چه غیر خداست می باشد. امام سجاد (ع) می فرماید: «اگر کسی در میقات، هنگام احرام بستن، از قلبش نگذرد که خدایا از هر چه غیر توست، دست شستم و فقط به ولای تو دل بستم، در حقیقت به میقات نرفته و احرام نبسته است.»

مواقیت خمسسه در طول سالیان دراز شاهد حضور میلیون ها عاشق الهی بوده اند که گاه از نقاط بسیار دور به این مکان ها آمده اند شخص رسول خدا (ص) و انمه اطهار (ع) و صحابه و بزرگان از این مواقیت عبور نموده اند و در آنجا محرم گشته اند؛ افرادی که میقات ها عاشق آنها بوده اند و چشم به راه شان.

امام خمینی (ره) در مورد این که میقات منتظر حضور و ورود چه کسانی و با چه ویژگی هایی است، می فرماید: «دل میقات در هوای زائرانی می تپد که از کشور لاشرقیه و لاغربیه آمده اند تا با تلبیه و لبیک لبیک دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند.» آری؛ میقات منتظر حضور چنین افرادی است؛ آنان که دست رد به سینه شرق و غرب استعماری زده اند و دل هارا متوجه خداوند متعال نموده اند و پا در راه مستقیم عبودیت الهی نهاده اند. اینان به راستی در میقات، ندای حضرت حق را می شنوند که فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ اِسْكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» «اگر با دل و جان آمده ای، علاقت را اینجا واگذار و سبکبال و فارغ از مادیات و هواهای نفسانی از این مکان گذر کن.»

احرام

بعد از رسیدن به میقات، اولین عمل واجب از مناسک حج و عمره، بستن احرام است و از نظر شرعی بدون احرام نمی توان از میقات رد شد و این احرام، در واقع پیمان بستن با خداست که اولاً اعمالی که بعد از احرام بر او واجب می شود، انجام دهد و آنچه بر او حرام می شود، ترک نماید. نحوه محرم شدن بدین گونه است که شخص در میقات با نیست قریبه الی الله ندای حق را پاسخ می گوید و مردان در اینجا، لباس معمول و دوخته خود را کنار می گذارند و دو جامه نمدوخته می پوشند. دو حوله سفید که یکی را بر دوش می اندازند و دیگری را به کمر می بندند و از هر آنچه رنگ تعلق می پذیرد، آزادورهای می گردند.

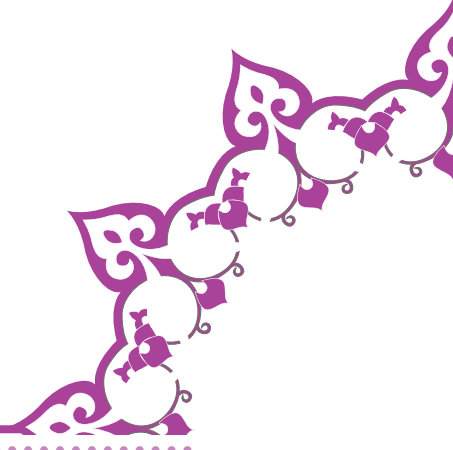
امام خمینی (ره) در جملاتی، فلسفه احرام را این گونه بیان می دارد: «هراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آن که دستتورهای عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود و حجاج محترم و روحانیون معظم کاروان ها، تمام هم خود را صرف در تعلیم و تعلم مناسک حج کنند و بر مسأله دانان است که از همراهمان خود مواظبت کنند که خدای نخواستہ تخلف از دستورها نشود و بعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل نمی گردد مگر آن که بعد معنوی و الهی آن جامه عمل

پوشد و لبیک های شما جواب دعوت حق تعالی باشد و خود را محرم برای وصول به آستانه محضر حق تعالی نماید.» حاجی لباس دوخته خود را به کناری می نهد تا به مصداق حدیث امام سجاد (ع) لباس گناه خود را به کناری انداخته باشد و تصمیم به آن داشته باشد که دیگر گناه نکند. آنگاه برای رسیدن به محضر حق تعالی لباسی نمدوخته و بی رنگ و حلال و پاک به تن می کند و این اولین نشانه برای اظهار اطاعت و بندگی است؛ آری اولین قدم حج و عمره، تمرین برادری و برابری است و فقیر و غنی همه با لباسی یکسان و یک شکل و یک دست احرام می بندند و آنچه در اینجا مهم است، دل و جان حاجی است و این که برای چه و که محرم شده است و خود را تا چه اندازه ای برای اتصال به محضر حق تعالی آماده نموده است.

لبیک

از واجبات حج و احرام، لبیک گفتن است. بدین صورت: بعد از آن که نیت نمودی و لباس احرام به تن کردی، بایستی لبیک بگویی و بدون ادای این کلمات، هرگز محرم نشده ای، هر چند که جامه خود را عوض کرده باشی، لبیک در واقع ادای این جملات است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

حاجی از میقات خارج می شود در حالی که لبیک گوشت، به عشق دیدار کعبه سر از پانمی شناسد و به عشق دیدار پروردگار، اشک شوق می ریزد. حضرت امام خمینی (ره) می فرماید: «در لبیک لبیک «نه» بر همه بت ها گویند و فریاد «لا» بر همه طاغوت ها و طاغوتچه ها کشید.» یعنی با هر چه ظلم و جور است، ستیز کنید. از هوای نفس و شیطان درون گرفته تا شیاطین برون و بت های زمان، گفتن لبیک، یعنی ای خدا، از این لحظه ملتزم می شوم که تهنات در مسیر طاعت تو گام بردارم و چیزی جز حق بر زبانم جاری نکنم و زبانم را بر معاصی حرام گردانم. زائر خدادر حج با خدای خویش پیمان و میثاق می بندد؛ تمامی اعمال حج پیمانی است که بین معبود و عبد بسته می شود. به فرموده امام خمینی (ره): «لبیک های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع، جواب می دهند. مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بی خود شده است و جواب دعوت را تکرار می کند و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق آن می نماید که اهل الله می دانند نه شریک در الوهیت فقط گر چه سلب شریک در آن نیز شامل همه مراتب تافنای عالم در نظر اهل معرفت است و حاوی جمیع فقرات احتیاطی و استحبابی است مثل «... الحمد والنعمة لك...» و حمد اختصاص می دهد به ذات مقدس. همچنین نعمت را و نفی شریک می کند و این نزد اهل معرفت غایت توحید است و به این معناست که هر حمدی و هر نعمتی که در جهان هستی تحقق یابد، حمد خدا و نعمت خداست. بدون شریک و در هر موقف و مشعری و قوف و حرکتی و سکون و عملی این مطلب و مقصد اعلی جاری است و خلاف آن شرک به معنای اعم است که همه ما کوردلان به آن مبتلا هستیم.» آری زائر به هنگام گفتن لبیک باید از هر چه به معنای تعلق و تملق است پرہیز کند تا شرط حضور در محضر باری تعالی را به دست آورد و در این آزمون سرفراز شود.



بهترین رفیق

رسول خدا (ص): به حضرت عرض شد کدام رفیق و هم‌نشین از همه بهتر است؟ فرمود: ۱- کسی که دیدارش شما را به یاد خدا می‌اندازد و گفتارش در علم و دانش شما بیفزاید ۲- و عمل و کردارش شما را به یاد آخرت بیندازد. کلام نور جلد ۲ صفحه ۵۳۰



دوره جدید - شماره ۱۱
 ۳۰ شهریور ۱۳۹۳
 ۲۵ ذی القعدة ۱۴۳۵
 21 September 2014

در نظر گرفته شده است. «وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (حج ۲۸).
 «فَكَلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ» (حج ۳۶)

ذکر الله بودن حج

از جمله اهداف مقدس مناسک حج یاد خداوند است روشن است این صرفاً یاد کردنی ذهنی نیست بلکه پادای عملی است که در انجام مناسک حج تحقق می‌یابد. «وَيَذَكِّرُوا إِسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ» (حج ۲۸)، «لِيُذَكِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَيَشِيرَ الْمُحْسِنِينَ» (حج ۳۷)

پیوند با نبوت و امامت

مناسک حج در پیوند نبوت و امامت است. از همین رو پس از طواف که محور مهمی در مناسک حج است نماز طواف واجب است «وَأَتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (البقره ۱۲۵) و نماز طواف بایستی پشت مقام حضرت ابراهیم باشد. اما چرا مقام ابراهیم؟

این که مقام ابراهیم بایستی در نماز طواف بین نماز گزار و کعبه قرار گیرد حاوی نکته بسیار مهمی است و آن توجه به مقام نبوت و امامت در کنار کعبه و در حال نماز طواف است حضرت ابراهیم ابو الانبیاء است و ادیان مهم (اسلام، مسیحیت و یهودیت) حضرت را قبول دارند.

مهمترین جایگاهی که خداوند در کنار کعبه آن را مطرح فرموده است مقام ابراهیم است «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ» (آل عمران ۹۷) گرچه آیت‌های متعددی در اطراف کعبه وجود دارد ولی از بین آنها مقام ابراهیم اختصاص به ذکر یافته که گواه اهمیت آن است.

حرکت، کوچ و اقامت

از جمله ویژگی‌های حج که در کمتر عبادتی (جز در جهاد) مشاهده می‌شود تحرک و ایستادن نبودن است، حرکت به سوی میقات، میقات تا حرم، طواف تا سعی احرام برای حج، عرفات، مشعر، منی و اعمال پس از آن، جملگی متضمن حرکت و انتقال است. این خصوصیت موجب تلاقی و ترکیب فزونتر حجاج و نزدیکتر شدن آنان به اهداف متعالی و مقدس حج است.



مشخصه‌های حج در قرآن شعائر بودن مناسک حج

از متن جوامع اسلامی در مکه حضور به هم می‌رسانند و این ویژگی نمایانگر بی‌نیازی و قدرت اقتصادی و مالی جامعه اسلامی است.

حضور نیازمندان و فقرا در مسئله حج

گرچه حج بر افراد مستطیع واجب است ولی هر جا که ثروت وجود داشته باشد نیازمندان به جهت کار و تأمین معیشت به آنجا روی می‌آورند. از همین رو در احکام حج به آنها توجه شده و وجود آنها

قرآن مجید پس از ذکر برخی از مناسک حج، مجموع آنها را شعائر الهی دانسته است «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شِعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهُرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ» (مانده ۲) شعائر پرچم اسلام و نمایانگر محتوا و اهداف آن است.

حضور افراد توانمند از نظر بدنی و مالی

چون حج بر مستطیع واجب است و الله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا (آل عمران ۹۷) هر ساله عده‌ای

محرّمات احرام (بخش اول)

فتاوی رهبر معظم انقلاب



س. آیا سردوزن در حال احرام می‌تواند صورت خود را با حوله خشک کند؟

ج: این کار برای مرد مانعی ندارد و برای زنان، در صورتی که پوشاندن صورت بر آن اطلاق نشود اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست و در هر حال پوشاندن صورت کفاره ندارد.

س. خشک کردن صورت با حوله برای زن چه حکمی دارد؟
 ج: اگر حوله را بر روی همه صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانع ندارد.

س. خشک کردن سر با حوله و امثال آن برای مرد چه حکمی دارد؟
 ج: اشکال ندارد مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.

س. آیا محرم می‌تواند تمام یا بعض سر را زیر آب کند؟
 ج: جایز نیست تمام سر را زیر آب کند، ولی حرمت آن نسبت به بعض سر معلوم نیست.

گرفتن بینی از بوی بد بر او حرام است یا نه؟
 ج: استعمال طیب در هر صورت جایز نیست اگر چه بوی آن به مشامش نرسد و در گرفتن بینی حکم سایر محرمین را دارد.

س. حکم تکرر استعمال طیب در یک وقت یا اوقات متعدّد بدون تخلل کفاره چیست؟

ج: تکرر استعمال طیب در یک زمان تا حدّی که عرفاً آن را یکبار استعمال کردن بدانند، کفاره را متعدّد نمی‌کند و در غیر آن علی‌الظاهر باید کفاره را به تعداد استعمال، تکرار کند و عدم تخلل کفاره تأثیری ندارد.

س. آیا مفاخره در حال احرام مطلقاً حرام است یا در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران باشد؟
 ج: فخر فروشی در حال احرام حرام است هر چند متضمن اهانت و دشنام به دیگران نباشد.

س. حکم بستن دستمال به سر جهت سر درد چیست؟
 ج: اشکال ندارد.

س. کفاره پوشاندن سر چیست؟ و آیا بعض سر حکم تمام سر را دارد؟

ج: بنا بر احتیاط یک گوسفند قربانی کند و بعض سر حکم تمام سر را ندارد مگر در صورتی که عرفاً بر آن صدق کند که سر را پوشانیده است؛ مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند بر سر بگذارد.

س. کسی که حسن بویایی ندارد یا به علت زکام و سرماخوردگی بویی را احساس نمی‌کند، استعمال طیب و عطر زدن به بدن و لباس و



بازگشت صفت

رسول خدا (ص): سه صفت است که در هر که باشد به خودش بازمی‌گردد.
۱- مکر و حيله کردن با مردم
۲- ظلم و ستم به مردم
۳- پيمان شکنی.
نهج الفصاحه صفحه ۲۶۸

خويشتنداری را از پیامبر خدا بیاموزیم

بیشتری به او عطا کرد و فرمود: آیا اکنون به تو احسان کردم؟ آن مرد گفت: بلی، خداوند به تو پاداشی خیر دهد. رسول خدا (ص) فرمود: بر اثر سخنی که نزد اصحاب من گفتم، ممکن است نسبت به تو بدبینی پیدا کرده باشند. اگر دوست داری نزد آنان حاضر شو و رضایت خود را اعلان کن تا آن فکر از سرشان بیرون رود. آن مرد به حضور اصحاب آمد و پیامبر فرمود: این مرد از ما راضی شده است، آیا چنین است؟ او گفت: بلی، خدا به تو و خانواده‌ات جزای خیر دهد. آنگاه پیامبر فرمود: مثل من و این مرد مانند کسی است که ناقه‌اش فراری شده است و هر چه مردم آن را تعقیب می‌کنند او بیشتر فرار می‌کند، ولی صاحبش می‌گوید رهاش کن، من خودم می‌دانم چگونه او را رام کنم. می‌آید و دستی بر سر و روی او می‌کشد و خاک و غبار از تن و چهره‌اش پاک می‌کند و افسار او را به دست می‌گیرد. من اگر در روز گذشته شما را آزاد می‌گذاشتم، آن مرد را بر اثر بدبختی‌اش به قتل می‌رسانید و او در آن حال به دوزخ می‌رفت.

حضرت رسول الله (ص) بسیار بردبار بود. این ویژگی سبب می‌شد که دیگران روز به روز بر گرد و جلود او حلقه زنند و بر محبتشان به ایشان افزوده شود. کمتر کسی را می‌توان یافت که مانند رسول الله (ص) تحمل داشته باشد. انس بن مالک می‌گوید: روزی عربی بادی به نشین سراغ پیامبر آمد و به شدت ردای آن بزرگوار را کشید به گونه‌ای که ردای بر گردن رسول خدا (ص) خط انداخت و اثر گذاشت. آن گاه به آن پیامبر رئوف خطاب کرد و پرسید: یا محمد! از آن اموال خدا که در اختیار توست، دستور بده که به من بدهند! حضرت لبخندی زد و دستور داد که چیزی به او بدهند. در خبری وارد شده است که روزی مردی اعرابی حضور پیامبر اکرم (ص) آمد و از حضرت چیزی طلب کرد. رسول خدا (ص) به او عطا کرد و فرمود: آیا به تو احسان کردم؟ آن مرد گفت: نه، هرگز به من احسان و نیکی نکردی. اصحاب از ناسپاسی این مرد خشمگین شدند و قصد آزار او را داشتند، ولی پیامبر آنان را از تعرض به وی باز داشت. آنگاه حضرت به خانه رفت و مقدر

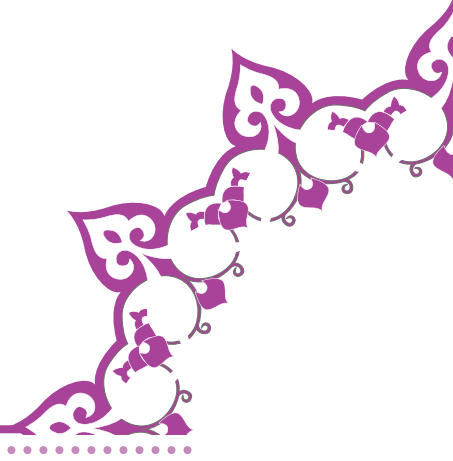


اتحاد و انسجام اسلامی از نگاه شهید مطهری

علی اکبر سبزیان

این دانشمندان می‌گویند مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم (ص) ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و با سابقه شرکت دارند. وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرشش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند. خصوصاً این که در متن اسلام، بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند.

مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است: از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مقتضات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟ مخالفین اتحاد مسلمین، برای این که از وحدت اسلامی مفهومی غیر منطقی و غیر علمی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مقتضات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترک شان.



سر انجام کار

رسول خدا (ص):
هر که کار زشتی را فاش کند
چون کسی است که آن را
انجام داده و هر که مؤمنی را
به کار زشتی سرزنش کند
نمیرد تا به آن عمل
گرفتار شود.
اصول کافی جلد ۴ صفحه ۵۹



مقام

دوره جدید - شماره ۱۱
۳۰ شهریور ۱۳۹۳
۲۵ ذی القعدة ۱۴۳۵
21 September 2014

که برخی فقط آثار مخرب دارند. مانسانها هر طریحی که در اندازیم طریحی انسانی است که اگر به چند جهت هم توجه داشته باشیم از جهات دیگر غافل هستیم. ولسی خداوند همه چیز را با هم دیده و طراحی کرده است. «هو العليم الحكيم». حال با توجه به این نقشه کلی به توضیح اسرار گوناگون حج می پردازیم.

بازگشت به اصل و ریشه

کعبه نشانه‌هایی از بهشت دارد از روایات چنین بر می آید که حجرالاسود از بهشت نازل شده و کعبه نیز مکانی بوده که در آنجا خیمه‌ای بهشتی برپا شده و منطقه حرم در خشش عمود آن خیمه بوده است.

حج و زیارت کعبه یادآور بازگشت انسان به بهشت موعود است، همانگونه که در صحنه قیامت مردم گروه گروه در موقف حساب و محضر خداوند حاضر می شوند «وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا قُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ» (انعام ۹۴) فارغ از عناوین و تشخصات، خاشع و فروتن و در انتظار رحمت پروردگار. «وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت ۲۲) در زیارت کعبه حاجیان از هر سو گروه گروه، لبیک گویند به مقصد نزدیک تر شده و با وصول به آن پروانه‌وار به گردش برگردان می پردازند.

دارالسلام و شهر امن

همانگونه که بهشت دارالسلام است و واردشوندگان به آن در امنیت کامل هستند. «ادْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ اٰمِنِيْنَ» (الحجر ۴۶) کعبه نیز خانه امن و واردشوندگان به آن در امنیت هستند «وَمَنْ ذَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا» (آل عمران ۹۷) حضور حاجی و معتمر در کنار کعبه جلوه‌ای از حضور موحدان در دارالسلام الهی است.

اسرار عبادی حج

معرفت و توجه به خداوند و پرستشی او بستر همه کمالات و غایت خلقت است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُوْنَ» (ذاریات ۵۶) و در آیه کریمه دیگر فرمود: «عِبُدُوْا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (البقره ۲۱) و باز فرمود: «تَتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ» (حجرات ۱۰) بنابراین عبادت زمینه ساز تقوا و تقوا موجب جلب رحمت الهی و تقرب به خداوند است.

هر عبادتی دارای خصوصیاتی است که به انسان در مسیر کمال و قرب الهی مدد می رساند. حج بدان جهت که جامع ترین عبادتهاست. خواص دیگر عبادت‌ها را در خود دارد.

از همین رو رسول خدا (ص) به شخصی که با انفاق خواهان رسیدن به فضیلت حج بود فرمود: فلو أن أبا قیس لک ذهبة حمراء أنفقته فی سبیل الله ما بلغت ما يبلغ الحاج و در جمله دیگر فرمود: أتی لک أن تبلیغ ما یبلیغ الحاج.



ویژگی‌های حج

هدایت را در رگ‌های مردم جهان به جریان می‌اندازد. نه این که فقط حاضران در مناسک و در کنار کعبه از هدایت‌های آن بهره گیرند بلکه عموم جهانیان در این طرح مورد نظر هستند.

۶- همه مردم در این سرزمین از قیود سیاسی و مرزهای دست‌ساز بشر آزادند و تنها بنده خدایند چون کعبه ملک کسی نیست و خانه عشق است.

۷- قوام بخشی به عموم مردم که مرحله‌ای فراتر از هدایت است جلوه دیگر این مجموعه است.

۸- حضور توانمندان، نمایشگر ثروت و امکانات و حضور دیگران موجب انتقال ثروت و اطلاع از وضعیت بخش‌های مختلف جامعه است.

۹- حج ذکر خداست ولی تنها یک جلسه معنوی و فرو رفتن در حصار آن نیست، بلکه دنیای مردم نیز در آنجا مطرح است. اقتصاد در کنار سیاست، سیاست در کنار عبادت و... حضور دارند.

در فرهنگ‌های مختلف، اجتماعات مهمی وجود دارد. هندوها در کنار رود گنگ، و... ولی این اجتماعات یک بعدی است، گذشته از این

هجده ویژگی ذکر شده (المراقبات، مراقبات شهر ذی القعدة الحرام، ص ۱۹۶) برای حج می‌تواند تصویری از کلیت حج و اهداف آن را گزارش دهد. چون این ترکیب فرآیندی دارد که روح حج و سر آن را آشکار می‌کند. عارف و عالم کامل، مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی می‌نویسد: و بعبارة آخری بعضها (عبادات) توثر فی التخلیسه و بعضها فی التحلیه و بعضها جامع کللا الامرین، والحج من القسم الاخیر لانه معجون الهی مرکب من اجزاء فاقعه جدا لجميع امراض القلوب العاتقه لها من عالم النور.

فرایند مجموعه ویژگی‌ها

- ۱- حج مجموعه‌ای توحید محور است.
- ۲- در کنار آن امامت و نبوت مطرح شده است
- ۳- امنیت در این مجموعه هدف بسیار مهمی است که در ابعاد مختلف مطرح شده است
- ۴- برکت و پرفائده بودن چهره دیگر آن است
- ۵- هدایتگری در این مناسک ملحوظ است. یعنی این حج است که باید به عموم مردم جهان خط بدهد و همانند قلبی پرطیث

کربلا در بقیع

امام حسین (ع) او را به عقد حسن در آورده بود، زندگی مشترک را آغاز کردند. حاصل این زندگی سه پسر (عبدالله، ابراهیم، حسن مثلث) و دو دختر (زینب و ام کلثوم) بود. حسن مثنی در کربلا ۱۷ ساله بود. این صحابی نوجوان کربلا، سرانجام ۱۸ سال پس از کربلا، در ۳۵ سالگی به دستور عبدالملک، پنجمین خلیفه اموی مسموم شد و به شهادت رسید.

فاطمه همسر وفادارش، پس از شهادت شوهر، بر مزار او در بقیع خیمه‌ای برپا کرد و تا یک سال روزها روزه می‌داشت و شبها به تهجد می‌پرداخت. او در زیر آن خیمه فرزندانش را گرد می‌آورد و حادثه کربلا را برای آنان تعریف می‌کرد. خاطرات گفته شده بر مزار حسن مثنی گوشه‌هایی از صحنه‌های غم‌آلود کربلا و حادثه عظیم و حماسه بزرگ عاشورا را روشن می‌کند. گاه دیگران نیز می‌آمدند تا کربلا را در بقیع بهتر بشناسند. پس از یک سال، فاطمه خیمه خویش را جمع کرد. در همان موقع از گوشه قبرستان بقیع صدایی شنید که می‌گفت «هل وجدوا ما فقدوا؟» آیا گم شده خویش را یافتند؟ و از گوشه دیگر قبرستان پاسخ آمد که «بل یسوا فاتقلبا» نه نومید باز گشتند. در بقیع، سلام به این صحابی پاکباز اباعبدالله را که همچون پدر بزرگوارش امام حسن مجتبی (ع)، شهید زهر ظلم است، فراموش نکنید.

در میان چهره‌های بزرگی که در بقیع خفته‌اند، حسن بن حسن مشهور به حسن مثنی فرزند امام مجتبی (ع) گمنام‌تر از دیگران است. او همسر دختر اباعبدالله الحسین (ع) فاطمه صغری است. قصه این شهید بزرگ، شگفت و شنیدنی است. او با عمویش حسین (ع) از مدینه به مکه و از مکه به کربلا آمد و روز عاشورا پس از شهادت برادرش قاسم، به میدان شتافت و رزمی شکوهمند و دلبرانه را در مقابل نگاه عمویش حسین (ع) رقم زد. در این جنگ نابرابر دست راستش قطع شد. ۱۷ نفر را خاک افکند و با ۱۸ زخم که سر تا پای او را خونین کرده بود، بر زمین افتاد. روز یازدهم محرم، پس از پایان غم‌انگیز کربلا، عمر سعد فرمان داد سر شهیدان را جدا کنند و بر نیزه به کوفه برسانند. یکی از سپاهیان عمر سعد به نام اسماء بن خارجه فزاری که با مادر حسن مثنی - خوله - نسبتی داشت، با خنجر آخته بالای سر حسین رسید. نشست تا سر از بدنش جدا کند که ناگهان دریافت هنوز نفس می‌کشد. خنجر را در نیام کرد و به همراهانش که می‌کوشیدند او را متقاعد کنند تا سر از بدن حسن جدا کند، گفت: او را به من ببخشید. من او را به کوفه خواهم برد اگر امیر عبدالله او را به من ببخشید، کسی بر شما خرده نخواهد گرفت و اگر نبخشید، کسی مرا سرزنش نخواهد کرد. در کوفه، عبدالله او را به اسماء بخشید. پس از مداوا و معالجه به مدینه آمد و با فاطمه صغری که در راه مدینه و کربلا،



حاصل زبان

رسول اکرم (ص): مردی از رسول خدا (ص) درخواست نصیحتی کرد، حضرت فرمودند زبانت را از گناه و خلاف نگاه دار مرد دوباره در خواست نمود حضرت باز فرمودند زبانت را از گناه و آزار مردم نگاه دار وقتی مراد برای مرتبه سوم در خواستش را تکرار کرد حضرت در پاسخ او به تندی فرمود: وای بر تو آیا مردم را جز حاصل زبان خود چیز دیگری به صورت در آتش می افکند.
 تحف العقول صفحه ۵۶

تولد دوباره

این روزها که رهسپاران به سوی مسجد شجره رهسپارند، تولد تو می خواهد هر چه زودتر به لباس سپید احرام مزین شوی. می خواهی جانان را به یکرنگی روزهای احرام بسپاری. می دانی که رسیدن به این نقطه، شاید تولدی دوباره باشد برای تو. روی لحظه های امروز ایستاده ای و به آینده فکر می کنی که چگونه رسیدن به مقام یکرنگی را پاس بداری. به عقب نگاه می کنی هر چه برگ های تاریخ را ورق می زنی در می یابی که حاجی شدن تنها به استطاعت مالی نیست، اگر چه استطاعت مقدمه رسیدن به این حضور است. باید در مراتب بندگی اوج گرفته باشی تا اینجا بتوانی روح حج را در جان خودت ماندگار کنی.

به آیات زندگی که نگاه می کنی در می یابی که هم باید مصداق «راکعان» و «ساجدانی» باشی که در آیه نور از آنان نامی آمده است و هم باید ابراهیم وار مهربانی را در جانان فراگیر کنی. ابراهیم استوانه ای بوده است از رأفت و مهربانی تا آنجا که به مقام خلیل الهی دست یافت و تو در خودت به دنبال این هستی که چگونه مهربانی ابراهیم را در جانان بیابی.

آنان که اسیر فکرهای باطل اند هیچ گاه به سر منزل عمل صالح نمی رسند و این رمز جاودانگی حج است. زائر بیت الله علاوه بر سجاده نشینی و عبادت، باید اهل قیام باشد. قیام علیه تمام بدی ها... قیام علیه نمودن همانگونه که ابراهیم به پا خواست و این گونه است که زائر می تواند به اوج بندگی و آزادی برسد و میهمان بیت عتیق شود، که بیت عتیق خانه آزادی و آزادگی است.

تو می دانی آن کسی که در خانه قلبش بتخانه ای از هوس ها و تمایلات زمینی است نمی تواند مسافر ملکوت کعبه باشد. تو می دانی آن کسی که رو به قبله هواهای نفسانی دارد، نمی تواند نماز گزار قبله مسلمانی باشد و اینگونه است که کعبه نماد آزادگی و مهربانی و عبودیت است. تنها کسی می تواند به شرجی این لحظات نورانی برسد که در جان خویش خدا را یافته باشد. شاید این سفر، تو را حاجی کند اما وقتی می توانی به خودت حاجی بگویی که تمام دردهایت را در این سرزمین دوا کرده و به صفای کعبه رسیده باشی.

تو مهربانی رفتن شده ای... این را می توان از برق چشمه های فهمید، اما از رفتن تا رسیدن فرسنگ ها راه است. باید فکری برای رسیدن کنی. باید آنچنان مهیا شوی که جاده ها زبر پاید تندتر از همیشه عبور کنند. باید قصد رسیدن کنی و قصد رسیدن تنها با زلال شدن امکان دارد. حالا تو هستی و زلالی لحظاتی که پیش روست. خدا کند صورت ظاهری سپری شدن این روزها تو را به سیرت اعمال حج برساند.



مراقب سرقت تلغن همراه باشید



باور کنیم که در سرزمین های زیارتی هم افراد سودجو و فرصت طلب وجود دارند. باور کنیم که یکی از این پدیده ها و جرایم رایج در سرزمین وحی، پدیده سرقت است که به اشکال مختلف در اماکن شلوغ نظیر خیابان ها، بازار ها، حرمین شریفین، هتل ها، زیارات دوره و... رخ می دهد.

سرقت های موبایلی

یکی از رایج ترین انواع سرقت در سرزمین وحی، سرقت موبایلی است که خود انواع مختلفی را شامل می شود که در اینجا به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود:

۱- به فرد دارای موبایل (تلغن همراه) مراجعه کرده و از صاحب موبایل خواهش می کند تا شماره ای را که اعلام می کنند، برایشان بگیرد و پس از گرفتن موبایل برای مکالمه، ابتدا دو قدم از صاحب موبایل فاصله گرفته و سپس در یک فرصت مناسب، به یک باره در بین

جمعیت ناپدید می شوند.

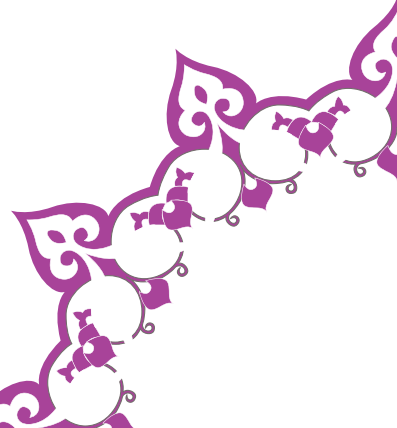
۲- سارق در نزدیکی کسانی که می خواهند باهمدیگر در یک مکان خاص عکس بگیرند، حاضر شده و به قصد کمک و انداختن عکس آنان، گوشی موبایل یادوربین عکاسی گرانقیمت آنها را گرفته و از شلوغی جمعیت استفاده کرده و به سرعت در بین جمعیت ناپدید می شود.

۳- سارق در نزدیکی محل هایی که سیم کارت (عربی) عرضه می نمایند، حاضر بوده و به قصد کمک برای تعویض سیم کارت، موبایل زائر را گرفته و به دو روش سرقت می کند: اول این که خود موبایل و سیم کارت عربی را به سرقت می برد و دوم این که سیم کارت عربی را در داخل موبایل قرار داده و سیم کارت ایرانی را بر داشته و به جای آن یک عدد سیم کارت باطله به زائر می دهد و در اولین فرصت از سیم کارت ایرانی جهت تماس با کشور دیگر استفاده می کند و به این ترتیب با مقروض کردن صاحب موبایل به مخابرات ایران، پول او را به سرقت می برد.



فرزندان آخر الزمان

روزی رسول خدا (ص) در حین عبور از کوچه ای بعضی از کودکان را در حال بازی دید و فرمود: وای بر فرزندان آخر الزمان از پدرانشان عرض شد یا رسول الله (ص) از پدران مشرک آنها فرمود: نه بلکه از پدران مسلمان ایشان که هیچ چیز از فرائض و احکام مذهبی را به آنان نمی آموزند و اگر خود فرزندان به دنبال فراگیری پاره ای از مسائل دینی بروند آنها را از اداء این وظیفه مقدس باز می دارند و تنها به این قانع هستند که فرزندانشان به دنبال کسب و تجارت روند و متاع ناچیزی از دنیا بدست آورند. بدانند من از این قبیل پدران بیزار هستم و آنها نیز از بستگی به من بری اند. مستدرک الوسائل جلد ۲ صفحه ۶۲۵



گرفتاری های عضلانی و استخوانی



که زائران باید پیوسته در طول لحظه های سفر به فکر پیشگیری از آن باشند.

گرم مزاجی

انسان دائم در حال از دست دادن مقداری حرارت از بدن خود می باشد. اگر درجه حرارت محیط کمتر از بدن باشد و یا لاکل جریان هوا و باد سبب خشک شدن بدن و در نتیجه خشک شدن آن شود خطری متوجه انسان نخواهد شد. اما در سرزمین حجاز به خصوص در مراسمی که با ازدحام جمعیت همراه است مثل طواف، سعی بین صفا و مروه، پیاده روی در هوای گرم و آفتابی بدون استفاده از سایه بان، رمی جمرات و توقف در قربانگاه و مانند این ها تبادل حرارت گاهی غیر ممکن می شود، در نتیجه درجه حرارت بدن که همواره باید در ۳۷ درجه سانتیگراد ثابت باشد بالا می رود و معمولاً به ۳۹ درجه و بالاتر از آن می رسد، در این حال شخص دچار علائمی مثل بی قراری، خستگی، ضعف، تنگی نفس و در موارد شدید شوک و... شده و نهایتاً به حال اغما می افتد و اگر به سرعت نجات داده نشود مرگ وی فرا خواهد رسید.

از آنجا که تاخیر در انتقال گرم مزاجان به مراکز درمانی و دیر رسیدن به اینگونه بیماران، خطر مرگ سریع را به دنبال دارد. لازم است خود را به هیچ وجه در معرض خطر گرم مزاجی قرار ندهید و با آشامیدن مکرر آب و آب زدن به سر و صورت، باد زدن، خودداری از رفت و آمد بی مورد، در آفتاب و در ساعات گرم روز، اجتناب از حضور در ازدحام جمعیت، خودداری از رفت و آمد انفرادی به خصوص هنگامی که احتمال گم شدن وجود داشته باشد، سلامت خود را حفظ کنید و به محض احساس گرمای زیاد و بی حالی با پایین آوردن درجه حرارت بدن مثلاً به کمک نوشیدن آب خنک یا کم کردن لباس و پوشیدن آب فراوان به بدن و باد زدن خود را از خطر نجات دهید.

پیشگیری از گرم مزاجی

در ساعات گرم روز از کاروان خارج نشوید، زیرا باعث گرم مزاجی و بیمار شدن شما می شود، برای این منظور بهتر است از ساعات مناسب عصر و شب استفاده نمایید. بهترین زمان خروج قبل از ساعت ۱۰ صبح و بعد از ساعت ۵ بعد از ظهر است. از پیاده روی در آفتاب خودداری کنید زیرا موجب کم شدن آب بدن، تحلیل رفتن انرژی، خستگی، آفتاب سوختگی و بعضاً بی حالی شدید شما خواهد شد.

دست ها را به حالت قنوت حایل سینه و پهلوهای خود کنید. در هنگام بالا و پایین رفتن از پله ها دست را به نرده های پله ها حایل نمایید.

- از برداشتن بار و ساک های سنگین خودداری نمایید.
- از شیر و مواد لبنی به مقدار کافی مصرف کنید.
- پیشنهاد می شود کسانی که مبتلا به پوکی استخوان هستند، قبل از اعزام جهت درمان خود اقدام نمایند.
- اگر عضلات خود را قبل از سفر، به پیاده روی عادت دهید، در پیاده روی های طواف، سعی بین صفا و مروه و رمی جمرات، عضلات شما زود خسته و دردناک نخواهند شد.
- در سال های گذشته زائرانی بودند که به دلیل استفاده نامناسب از توالت فرنگی (مثلاً نشستن بالای توالت های فرنگی به شیوه توالت های ایرانی)، دچار لیز خوردگی و آسیب های جدی، نظیر شکستگی لگن و نیز ضربه به سر شده اند.
- از علل رایج آسیب های استخوانی، تصادفات خیابانی است

از معضلات رایج زائران ضرب دیدگی ها، پیچ خوردگی پا و شکستگی های استخوانی است. این موارد معمولاً به یکی از علل زیر اتفاق می افتد.

- لیز خوردن در حمام، وان یا اماکن دیگر.
- سقوط از پله برقی یا تپه های معمولی.
- فشار جمعیت در طواف، رمی جمرات یا تراکم های دیگر (معمولاً ضرب دیدگی دنده ها یا انگشتان پا)
- تصادفات و سوانح رانندگی...
- نظر به اینکه متوسط سن زائران، بالای ۵۰ سال است و در این میان افراد مبتلا به پوکی استخوان و آرتروزها، مستعد عوارض فوق و نیز دردهای عضلانی هستند، پیشنهاد می شود این افراد، از پیاده روی های بی مورد اجتناب نمایند و در تراکم های جمعیتی و بلندی ها (مثل جمع کردن سنگ ریزه از کوه و یا بالا رفتن از جبل الرحمه) از خود مراقبت بیشتری به عمل آورند.
- پیشنهاد می شود برای مراقبت از دنده ها، در زمان طواف

به رسول رحمت، پیامبر اعظم (ص)

چه شب های غم انگیزی بود! چه شب های غم انگیزی که ستاره ها در آن کوچیده بودند! چه شب های غم انگیزی که چشم ها به امید سحر خیره بود و سیاهی چیره! چه شب های غم انگیزی که جز در خشخش شمشیر، نوری نداشت و جز عریده های مستی، صدایی آن را نمی آراست! و چه شب های شبی! و چه کسی خبر داشت که سحر از راه خواهد رسید، با کوله باری از نور و حرف هایی از جنس بلور و پاهایی پیموده راه دور؟! چه کسی خبر داشت که خورشید، کوه های غرور و تکبر را به کناری می نهد و در آسمان، نور می گستراند؟ چه کسی خبر داشت که زلال وحی، گنداب های جهل را می ماند و باغبان در خندان حماسه و اندیشه و عشق، خارهای رخوت و جهل و کینه را بر خواهد کند؟ و چه کسی خبر داشت که عطر خوش قرآن، گردبادهای تباهی و سیاهی را خواهد نشاند؟

پیش از تو زنجیرهای جاهلیت، پاهای کودکان فطرت را آزار می داد و سنگلاخ های عصبیت، قدم های رهپویان عشق را آبله زار کرده بود؛ چه گنداب های عذاب آوری بود عریده های آتش های ستیز و چه مارهای زهر آگینی بودند زبان های طعنه زن و خونریز! آن زمان ها، روز هم شب بود و سکوت و سنگینی خوبانی را می دیدی که اسیر خود خواهی اند و خود بینی، من آن هنگام را می گویم که جان ها در تنگنای مار و قمار روز و شب می گذراندند و نمازها به سمت قبیله بودن نه قبله. من آن هنگام را می گویم که دل ها به بندگی لات و منات بودن نه در فکر آزادی و نجات. من آن هنگام را می گویم که عزی و هبل راه را بر کندوهای شیرین غزل گرفته بودند و فطرت ها با کوچ اجباری، از فرار و راه به فراسوها رفته بودند. من آن روز گاری را می گویم که جز در ماه های حرام، صلح و دوستی حرام بود، حرام!

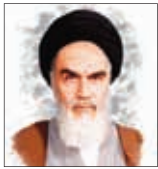


میزان

اگر حج، به گونه‌ای که طبیعت این واجب اقتضا میکند، تحقق پیدا کند، بسیاری از مشکلات مسلمانها حل خواهد شد.

حج، حامل معنویت و وحدت و آگاهی و معرفت است. اینها برای ملت‌های اسلامی چیز کمی نیست.

بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳



صراط

(از مهمات در عبادات، از جمله در حج، اخلاص در عمل است، اگر خدای نخواست، کسی عملی را برای خودنمایی انجام دهد باطل است، حجاج محترم بدانند که خودبینی و خودخواهی، با خداخواهی مخالف است، و با هجرت الی الله، و سیر الی الله نمی سازد.)

صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۷

بگوشه از حج

توصیه به حاجیانی که سیم کارت‌های شان مفقود شده

دفتر نمایندگی وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات با صدور اطلاعیه‌ای از هموطنانی که سیم کارت‌های شان مفقود شده خواست، در صورت نیاز به قطع سیم کارت، با نمایندگان همراه اول و ایرانسل در ستاد حج تماس بگیرند. در این اطلاعیه جهت تماس با نماینده ایرانسل، شماره ۰۵۳۱۹۸۲۸۹۴ و جهت تماس با نماینده همراه اول، شماره‌های ۰۳۵۰۷۰۰۷۸۹۱۰۷۸۰۹ و ۰۵۳۱۹۸۲۸۹۴ اعلام شده است.

حج، خدامحوری را به انسان می آموزد

ماموستا عبدالقادر سهرابی امام جمعه مهاباد گفت: یکی از مظاهر بارز حج مساوات و برابری است و این برابری سبب اتحاد و همبستگی تمام مسلمانان جهان می شود. امام جمعه مهاباد حج را پیمانی میان خداوند و بندگان مخلص عنوان کرد و گفت: مهم ترین آثار و برکات حج، دوری از گناه، دوری از زندگی دنیوی، نفی هرگونه شرک و بت پرستی و اتحاد میان مسلمانان است.

استقبال از پیشنهادها

حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی قاضی عسکر و مهندس سعید اوحدی از نزدیک با زائران ایرانی مستقر در هتل مراج الطیبه دیدار و گفت‌وگو کردند. حجت الاسلام والمسلمین قاضی عسکر در پاسخ به پیشنهاد یکی از زائران ایرانی مبنی بر کوتاه شدن زمان حج تمتع اظهار داشت: کشور میزبان عملاً چنین مجوزی صادر نکرده و امکان کوتاه کردن طول سفر وجود ندارد. طول با تایید اصل این پیشنهاد به کوتاه شدن طول سفر عمره و ایجاد برنامه‌های سفر سه و پنج روزه به عتبات اشاره و اظهار داشت: اگر روزی کشور میزبان شرایط را فراهم آورد، حتماً این ایده عملی خواهد شد. سرپرست حجج ایرانی با تأکید بر ارائه پیشنهادات زائران گفت: ما از پیشنهادات زائران استقبال کرده و آمادگی دریافت آن را داریم و در صورت فراهم بودن شرایط به اجرای آن اقدام می شود. مراج الطیبه با گنجایش هفتصد و ۲۰ زائر در قالب شش کاروان از گلستان، مازندران و تهران نهمین مکان اقامت زائران ایرانی بود که از سوی نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان حج و زیارت مورد بازدید قرار گرفت.

تاریخ مسجدالنبی



هجرت ر امشخص می سازد.

یکی از بناهایی که همزمان با ساختن مسجد احداث شد، دو حجره یا به تعبیر امروزیین خانه در دیواره شرقی مسجد بود. این دو حجره برای سکونت رسول خدا (ص) و همسرانش سوده و عایشه ساخته شده بود. بعدها بر تعداد این حجرات افزودند. اصحاب دیگر نیز هر کدام که توانایی داشتند، حجره‌ای در کنار مسجد ساختند. آنها درهایی به مسجد داشتند و در وقت نماز از همان در وارد می شدند. اما در سال سوم دستور داده شد تا این درها بسته شود، مگر در خانه امام علی (ع). در جای دیگر در باره حجره هاسخن خواهیم گفت. توسعه مسجد در سال هفدهم هجری با گسترش فتوحات، جمعیت مسلمان افزایش می یافت و در این میان، مدینه به عنوان مرکز خلافت، جمعیت بیشتری را به خود جذب می کرد. خلیفه دوم (خلافت از ۱۳ تا ۲۳ هـ) تصمیم گرفت تا خانه‌های اطراف را بخرد و آنها را ضمیمه مسجد سازد.

مسجد اندکی در سمت قبله، یعنی جنوب و نیز از جهت غرب و شمال گسترش یافت. در این میان، قرار بود خانه عباس عموی پیامبر (ص) نیز خراب شود، که کار به منازعه لفظی کشیده شد. خلیفه تن به حکمیت یکی از اصحاب رسول خدا (ص) داد و حکم حکم کرد که خلیفه نباید برای مسجد، به زور، زمینی را از صاحبش بگیرد. پس از خاتمه نزاع، عباس خود خانه‌اش را نه در عوض پول، بلکه به عنوان هدیه تقدیم کرد. در افزایش جدید، در سمت قبله، حدود ۵ متر، در سمت غرب ۱۰ متر و در سمت شمال ۱۵ متر به مسجد افزوده شد. مجموع مساحت افزوده شده ۱۱۰۰ متر مربع بود و مجموع مساحت آن به ۳۵۷۵ متر مربع می رسید. با افزایش این مساحت، درهای جدیدی نیز برای مسجد گشوده شد.

در این افزایش مساحت، جای ستون‌های قبلی را ستون‌های جدیدی از نخل گرفت و بنای مسجد نیز نسبت به بنای سابق استحکام بیشتری یافت و البته مصالح بکار رفته، همان خشت و برگ نخل بود. کف مسجد را نیز با ریگ‌های وادی عقیق فرش کردند.

بر گرفته از کتاب تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره نوشته حجت الاسلام والمسلمین جعفریان

بخش دوم

مسجد رسول خدا (ص) در نخستین بنای خود، مساحتی شامل هفتاد و پنج متر دراز ۳۵ متر عرض ۳۰ متر بوده که در حدود ۱۰۵۰ متر مربع می شود. مسجد نخست، با دیوارهای خشتی و گلی و پایه‌هایی از تنه درختان خرما بنا گردید. سقف مسجد هم با شاخه‌های درخت خرما پوشانده شد؛ به طوری که در هنگام باران، آب بر سر و صورت نمازگزاران می ریخت و زمین در زیر پایشانی رسول خدا (ص) و اصحاب، گلی بود. در آغاز، قبله مسجد به سمت شمال و جهت بیت المقدس بود. پس از تغییر قبله، بخش مسقف مسجد به جهت جنوبی منتقل شده و صفا به شمال مسجد انتقال یافت.

مسجد با همین بنا برای هفت سال محل برگزاری نماز جماعت، نماز جمعه و خطبه‌های رسول خدا (ص) بود. گرچه برخی نوشته‌اند که در سال چهارم هجری، دیوارهای آن از خشت و گل بنا شد. در سال هفتم هجرت، با گسترش اسلام و افزایش شمار مسلمانان، ضرورت توسعه مساحت مسجد مطرح شد. رسول خدا (ص) بر طول و عرض مسجد افزود و مساحت آن به ۲۴۷۵ متر مربع رسید. در این توسعه، شکل مسجد به صورت مربع درآمد. قبله مسجد نیز از سال دوم هجری از شمال به سمت جنوب تغییر کرد و از آن پس، نه به سوی بیت المقدس، که قبله یهود بود، بلکه به سوی مکه نماز خوانده می شد. در حال حاضر نرده‌های فلزی طلائی رنگ که در جنوب مسجد سمت قبله قرار دارد و از شرق تا غرب مسجد است، حد جنوبی مسجد زمان رسول خدا (ص) است؛ چنان که ستون‌های نصب شده توسط سلطان عبدالمجید عثمانی در انتهای رواق نخست مسجد که مشرف بر حیاط اول است، حد شمالی مسجد التبی (ص) است. این ستون‌ها، در برابر باب التساء قرار دارد.

حد شرقی مسجد در سمت مدفن پیامبر (ص) پنجمین ستون در سمت چپ منبر و به قدر چهار ذراع، داخل در محلی است که شبکه‌های فلزی دور آن کشیده شده و مدفن پیامبر (ص) است. در واقع، بخش کوچکی از زمین مسجد اصلی، در سمت شرق، داخل در محدوده حجره شریفه قرار گرفته است. اما حد غربی مسجد، پنجمین ستون راست منبر در سمت غرب است که در حال حاضر، روی ستون‌های آن قسمت نوشته شده است: «حد مسجد التبی (ص)». در شمال نیز حد آن ابتدای حیات نخست مسجد است. در مجموع مقدار ده ستون در ده ستون حد مسجد النبوی (ص) است. ستون‌های مزبور سه رنگ است. در قسمت اصلی رنگ ستونها، محدوده روضه را از دیدگاه اهل سنت نشان می دهد. نوعی دیگر از ستون‌ها که متفاوت با دسته نخست است، حد مسجد را تا سال هفتم معین می کند. و تاده ستون حد مسجد تا سال دهم

بگوشه از ایران

پنج هزار میلیارد ریال برای ایمنی جاده‌های کشور اختصاص یافت

معاون وزیر راه و شهرسازی از اختصاص پنج هزار میلیارد ریال اعتبار برای رفع نقاط حادثه خیز و ایمنی جاده‌های کشور در سال جاری خبر داد. داوود کشاورزبان عصر جمعه در بازدید از پایانه مرزی تمر چین پیرانشهر در آذربایجان غربی در جمع خبرنگاران افزود: از این اعتبار سه هزار میلیارد ریال برای ایمنی جاده‌ها و دو هزار میلیارد ریال نیز برای رفع نقاط حادثه خیز هزینه می شود.

فضای مذاکرات خوب و سازنده است

«سید عباس عراقچی» عضو ارشد تیم مذاکره کننده هسته‌ای فضای مذاکرات نیویورک را «بسیار خوب» ارزیابی کرد و گفت: اختلافات در موضوعات وجود دارد ولی هم فضا خوب و سازنده است و هم اراده و جدیت لازم در همه طرف‌ها وجود دارد.

لغو تحریم بانک مرکزی با رأی دادگاه اروپا

در یک سال اخیر ۱۴ شرکت، بانک و دانشگاه از تحریم‌ها خارج شده‌اند با لغو تحریم بانک مرکزی ایران و فعال شدن خدمات سوئیفت برای آن، حجم انبوهی از دلارهای نفتی و غیرنفتی ایران به کشور باز خواهد گشت و در خدمت توسعه کشور قرار خواهد گرفت

عشایر ایران برای آزادی قدس هم قسم شدند

سوگند نامه سران قبایل و عشایر کشور در زمایش الی بیت المقدس عشایر بسیج در حضور سردار نقدی ربیب سازمان بسیج مستضعفین قرائت شد. سوگند نامه سران قبایل و عشایر کشور در زمایش الی بیت المقدس عشایر بسیج در حضور سردار نقدی ربیب سازمان بسیج مستضعفین قرائت شد.